

Content and Structural Criticism of Imam Hassan Mojtabi's (PBUH) Divorce Narrations

Asghar Tahmasebi Boldaji ^{a*}

^a Assistant Professor of Quran and Hadith Sciences, Shahrekord University, Shahrekord, Iran

KEYWORDS

Imam Hasan (PBUH),
Divorce narrations,
polygamy orientalists

Received: 08 January 2025;
Accepted: 19 February 2025

Article type: Research Paper

DOI: 10.22034/thr.2025.2049825.1076

ABSTRACT

One of the most important doubts raised about Imam Hassan's life is the attribution of being a divorcee; meaning that he had many marriages and divorces, which earned him the title of divorcee. In these doubts, cited from divorce narrations, Imam Hassan's personality has been introduced as pleasure-seeking and preoccupied with women. Using a descriptive-analytical method, this study has criticized and rejected divorce narrations from two aspects: first, in terms of content and criticism of the text of the narrations; these narrations are in conflict with the infallibility of Imam Hassan in the Quran and Sunnah. The verses of the Quran and the narrations from the Holy Prophet testify to the infallibility of Imam Hassan and his freedom from any kind of error and sin. In addition, what emerges from divorce narrations in Sunni and Shiite sources is that Imam Ali forbade people from marrying their daughters to Imam Hassan, while this issue seriously conflicts with the life and Sunnah of Imam Ali (PBUH) regarding Imam Hassan. Second, in terms of structure, these narrations face serious criticism: the background of the divorce narrations during the time of Mansur Dawaniqui, who had a special enmity with the Bani al-Hasan, the serious discrepancy in historical accounts in specifying the number of Imam Hassan's wives and the discrepancy between the multiple marriages and the number of Imam Hassan's children are among the most important reasons for the structural criticism and rejection of these narrations. The result is that the divorced narrations are not acceptable due to serious conflict with definitive principles, the character of Imam Hasan (A) and his infallible behavior are free from these matters.

* Corresponding author.

E-mail address: tahmasebiasghar@yahoo.com

©Author





نقد محتوایی و ساختاری روایات مطلق بودن امام حسن مجتبی (ع) با نظر داشت مقوله عصمت

اصغر طهماسبی بلداجی^{الف}

^{الف} استادیار علوم قرآن و حدیث، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران، tahmasebiasghar@yahoo.com

واژگان کلیدی	چکیده
امام حسن (ع)، روایات مطلق تعدد زوجات	یکی از مهم‌ترین شبهاتی که درباره سیره امام حسن (ع) مطرح می‌شود و با مقوله عصمت زاویه دارد، انتساب مطلق بودن به ایشان است؛ به این معنا که ایشان ازدواج‌ها و طلاق‌های متعددی داشته که لقب مطلق گرفته است. در این شبهات با استناد به روایات مطلق بودن امام (ع)، شخصیت ایشان را لذت طلب و مشغول به زنان معرفی کرده‌اند. این پژوهش - که بدون پیشینه‌ای اخص است - با روش توصیفی - تحلیلی، از دو بُعد روایات مطلق را نقد و رد نموده است: ۱- از نظر محتوایی و نقد متنی، این روایات معارض با عصمت امام حسن (ع) در قرآن و سنت قطعی است؛ آیات قرآن و روایات پیامبر اعظم (ص)، عصمت امام حسن (ع) و تنزیه ایشان از هرگونه خطا، گناه و امور مکروه را گواهی می‌دهند؛ علاوه بر این، آنچه از روایات مطلق در منابع سنی و شیعه برمی‌آید این است که امام علی (ع) مردم را از تزویج دختران به امام حسن (ع) نهی می‌نماید در صورتی که این مسئله تعارض جدی با سیره و سنت امام علی (ع) در رابطه با عصمت امام حسن (ع) دارد. ۲- از لحاظ ساختاری، این روایات با نقد جدی مواجه هستند: پیشینه وضع روایات مطلق در زمان منصور دوانیقی که با بنی الحسن دشمنی خاصی داشت؛ اختلاف جدی در نقل‌های تاریخی در مشخص کردن تعداد همسران امام حسن (ع) و عدم تطابق ازدواج‌های متعدد با تعداد فرزندان ایشان (ع)، از مهم‌ترین دلایل نقد و رد ساختاری این روایات هستند. نتیجه آنکه، روایات مطلق به علت تعارض جدی با اصول قطعی قابل‌پذیرش نبوده و شخصیت امام حسن (ع) و سیره عصمت‌محور ایشان، منزه از این امور است.

۱. مقدمه

اهل بیت (ع) کسانی بودند که جان، مال و زندگی خود را وقف بندگی خداوند کردند و با تمام هستی، با توجه به شرایط خود به تعالی دین و حفاظت آن اقدام نمودند. عصمت اهل بیت (ع)، مستند به کتاب خدا و سنت رسول خدا (ص) است که با ادله قطعی جای هیچ تردیدی باقی نمی‌گذارد. با وجود این، دشمنان اهل بیت (ع) برای رسیدن به منافع دنیوی خود، از هر طریقی برای از میان برداشتن آنان اقدام می‌نمودند تا بتوانند به راحتی به اهداف خود برسند. بر همین اساس، برخی از ائمه معصومین (ع) را به شهادت رساندند؛ برخی را به اسارت و برخی را تبعید نمودند. علاوه بر این، به جهت مقام و منزلت والای اهل بیت (ع) و اهتمام مردم به آنان، دشمنان ایشان فقط به راهکار نظامی اکتفا ننمودند و برای تخریب شخصیت اهل بیت (ع) و منحرف کردن مردم نسبت به ایشان، به جعل احادیث و تحریف سیره

اینان و انتساب افتراءات به اهل بیت (ع) اقدام نمودند (نک: کلینی، ۱۳۶۲ ش: ج ۱، ص ۶۳؛ ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ ق: ج ۱۱، ص ۴۶-۴۴).

تروهای شخصی و شخصیتی و زاویه دار با عصمت، در رابطه با امام حسن (ع) نیز با قدرت ادامه داشت و زمینه های متعددی از جمله قضیه صلح امام با معاویه در دوران اموی ها، جریان قیام بنی العباس در زمان عباسیان و ... سبب بروز و ظهور آن ها شده بود. از جمله گزاره های مرتبط با سیره امام حسن (ع) که منافی با مقوله عصمت تلقی می شود، اخباری مبتنی بر مطلق بودن ایشان است که نگاشته حاضر در صدد است تا با استفاده از روش متن پژوهی تحلیلی، به بررسی نقد المتنی آن بپردازد تا میزان صحت و وسقم محتوای آن آشکار گردد.

۲. پیشینه پژوهش

درباره نقد و بررسی روایات مطلق، پژوهش های متعددی انجام شده است. برخی از پژوهش ها به بررسی این روایات پرداخته و در توجیه آن ها برآمده اند و این روایات را منافی عصمت امام حسن (ع) نمی دانند (محمد ناصر اعداری، حسن محمد الدربری، ۲۰۱۸ م: ص ۱۰۷۶). در صورتی که این روایات با مقام اهل بیت عصمت و طهارت سازگار نیستند و غیرقابل توجیه اند. برخی دیگر از پژوهشگران بیشتر از جنبه روایی و سندی این روایات را نقد نموده اند و بیشتر به جنبه تاریخی این روایات و منشأ صدور آن ها پرداخته اند (مرادی نسب، ۱۴۰۰ ش: ص ۱۰۰-۶۷؛ مرتضوی، ۱۳۸۶ ش: ص ۷۵-۸۶). همچنان که برخی دیگر از پژوهشگران به تطورشناسی احادیث مطلق پرداخته و این نتیجه را استنباط نموده اند که این روایات جعلی بوده و از منابع اهل سنت که در زمان بنی عباس جعل شده اند، وارد منابع شیعه شده اند (مرادی نسب، ۱۳۷۶ ش: ص ۱۴۵-۱۷۲). برخی دیگر از پژوهش ها در همایش های بین المللی امام حسن مجتبی (ع) در بابل و نجف نیز به صورت مروری و کلی به نقد این روایات پرداخته و شبهات مستشرقان در رابطه با امام حسن (ع) را به صورت کلی پاسخ گفته اند (احمد الصفار، بی تا: ج ۲، ص ۳۸۷؛ رحاب نذیر الصفار، میسون یونس محمود، بی تا: ج ۲، ص ۴۵۷؛ عدنان خلف سرهید، بی تا: ج ۳، ص ۱۷۹؛ موفق مجید لیلو، بی تا: ج ۳، ص ۲۲۳).

این پژوهش ضمن توجه به پژوهش های پیشین، متمایز و با رویکرد جدید نگاشته شده است؛ اولین و مهم ترین رکن در بررسی روایات و اطمینان از صحت آن توجه به متن روایات است؛ چه بسیار احادیثی که از لحاظ سندی صحیح بوده اما از لحاظ متنی معارض با اصول قطعی آموزه های دینی است. بر همین اساس، این پژوهش ابتدا محتوای روایات مزبور را - با هر مضمونی - با ادله قطعی از قرآن و سنت مورد نقد و بررسی قرار داده و با در نظر گرفتن اصل قطعی عصمت امام حسن، این روایات را مورد واکاوی قرار داده است. دوم اینکه روایات مطلق - که منتسب به امام علی (ع) است - با توجه به سیره قطعی امام در رابطه با امام حسن (ع) مورد نقد متنی قرار گرفته است. سوم اینکه در پژوهش حاضر، این روایات به لحاظ ساختاری و فضای صدور و عدم تطابق با واقعیت های تاریخی نیز نقد شده است.

۳. اهمیت پژوهش

پدیده جعل حدیث یکی از آسیب های جدی بوده که متأسفانه در طول تاریخ دستمایه افراد سودجو قرار گرفته است که در زمان حکومت بنی امیه و بنی عباس به جهت منافع سیاسی، احادیث متعددی جعل و وارد منابع تاریخی و

روایی گردید. بر همین اساس، اهل بیت (ع) از همان آغاز، پیروان خود را به بررسی صحت احادیث و اطمینان از صدور آنها از معصوم امر کرده و در این باره راهکارهایی را جهت اطمینان از صحت احادیث ارائه می نمودند (نک: کلینی، ۱۳۶۲ ش: ج ۱، ص ۶۹). از طرف دیگر، برخی از مستشرقان با توجه به برخی از احادیث ضعیف و گزارش های تاریخی مجعول که معارض با اصول قطعی دینی هستند، خواسته یا ناخواسته به طرح شبهه و شبهه افکنی اقدام نمودند. البته برخی از دشمنان اهل بیت (ع) نیز به این شبهه افکنی تأکید کردند؛ بنابراین بررسی مستندات شبهات مستشرقان و نقد آنها حائز اهمیت است؛ چراکه با نقد مستندات آنها، به خودی خود شبهات آنها نیز پاسخ داده می شود. در میان اهل بیت، امام حسن (ع) بیشتر از همه معرض شبهه افکنی قرار گرفته که یکی از این موارد اطلاق مطلق بودن و لذت جویی با زنان، به ایشان است. پاسخ قطعی و مستند و مستدل به این شبهات حائز اهمیت جدی است که علاوه بر پاسخگویی به شبهات در این باره، به معرفی صحیح شخصیت امام حسن با تکیه بر قرآن و سنت قطعی نیز می پردازد.

۴. روایات مطلق

مسئله انتساب تعدد زوجات به امام حسن (ع) نخستین بار به مدائنی منتسب است که ابن ابی الحدید از قول وی این گونه نقل می کند: «احصیت زوجات الحسن بن علی فكن سبعین امرأة» (ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ۱۴۰۴ ق: ج ۱۶، ص ۲۲). روایات مطلق نیز با تعبیر گوناگونی نقل شده است؛ از جمله: «قَالَ عَلِيٌّ: «يَا أَهْلَ الْعِرَاقِ، أَوْ يَا أَهْلَ الْكُوفَةِ، لَا تَزَوَّجُوا حَسَنًا، فَإِنَّهُ رَجُلٌ مُطْلَقٌ»» (ابن ابی شیبه، ۱۴۰۹ ق: ج ۴، ص ۱۸۷). ابن عساکر این گونه نقل می کند: «قال علي يا أهل الكوفة لا تزوجوا الحسن بن علي فإنه رجل مطلق فقال رجل من همدان والله لنزوجه فما رضى امسك و ما كره طلق» (ابن عساکر، ۱۹۹۵ م: ج ۱۳، ص ۲۴۹). البته در منابع شیعه هم روایات مطلق - هرچند معدود - بیان شده است؛ چنان که محدثان شیعی جهت نشان دادن منزلت امام حسن (ع) در میان مردم این روایات را نقل کرده اند که البته این روایات برگرفته از منابع اهل سنت است و ریشه و اصل آن از زمان عباسیان نشأت می گیرد که در مباحث آینده مورد نقد تحلیلی قرار می گیرد. کلینی در قسمت فروع کافی روایاتی می آورد که يك نمونه از آن به این صورت است: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ ع طَلَّقَ حَمْسِينَ امْرَأَةً فَقَامَ عَلِيٌّ ع بِالْكُوفَةِ فَقَالَ يَا مَعْشَرَ أَهْلِ الْكُوفَةِ لَا تُنْكِحُوا الْحَسَنَ فَإِنَّهُ رَجُلٌ مُطْلَقٌ فَقَامَ إِلَيْهِ رَجُلٌ فَقَالَ بَلَى وَ اللَّهُ لَنُنْكِحَهُ فَإِنَّهُ ابْنُ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ ابْنُ فَاطِمَةَ ع فَإِنْ أَعْجَبَتْهُ أَمْسَكَ وَ إِنْ كَرِهَ طَلَّقَ»^۱ (کلینی، ۱۳۶۲ ش: ج ۶، ص ۵۶). برخی دیگر از منابع شیعی نیز این روایات را از بیان امام صادق و قول امام علی بیان نموده اند که برخی از آنها از لحاظ سندی معتبر نیستند و همه این روایات به لحاظ متنی غیرقابل پذیرش هستند؛ چراکه اولین و مهم ترین مرحله پذیرش یا رد يك حدیث متن آن است که اگر معارض با اصول قطعی بود، غیرقابل پذیرش است؛ که این روایات نیز این حیث هستند. علاوه بر این، بسیاری از این روایات و گزارش ها در منابع اهل سنت با مشکل سندی جدی روبه رو هستند و از سوی دیگر عدم تطابق زمانی بین راوی این احادیث و زمان امام حسن بر ضعف این گزارش ها می افزاید؛ مزید بر این که در گزارش های تاریخی از مورخان

^۱- امام صادق علیه السلام فرمود: امیر مؤمنان علیه السلام در حالی که بر فراز منبر مشغول سخنرانی بود فرمود: به فرزندم حسن زن ندهید او زیاد طلاق می دهد. مردی از قبیله همدان برخاست و گفت: آری، به خدا قسم ما به حسن زن میدهم، در حالی که او فرزند پیغمبر خدا صلی الله علیه وآله و علی بن ابی طالب علیه السلام است اگر بخواهد نگه میدارد و اگر نخواهد طلاق میدهد.

و محدثان زمان بنی امیه که دشمنی بیشتری نسبت به امام حسن و اهل بیت داشتند، نقلی وجود ندارد؛ چراکه اگر در این باره چیزی وجود داشت، بنی امیه با غلو زیادتر و تخریب شدیدتر، جهت رسیدن به منافع خود آن را نقل می کردند. روایات مطلق نیز و انتساب تعدد زوجات و... به امام حسن نیز از این حیث است که در ادامه به جهت متنی نقد و رد خواهند شد.

۵. نقد روایات مطلق و تعدد زوجات امام حسن (ع)

روایات مطلق به لحاظ محتوایی و ساختاری، معارض با ادله قطعی هستند، که نمی توان آن ها را پذیرفت. پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع) برای اطمینان از صحت احادیث راهکارهایی را بیان نموده اند که با عرضه احادیث به آن ها صحت حدیث مشخص می شود. اول عرضه روایات بر قرآن، به این صورت که هر روایتی بر قرآن کریم عرضه شود تا اگر مخالف با قرآن نبود، پذیرفته شود و اگر مخالف با قرآن بود، پذیرفته نشود (نک: روایات عرض). دومین راهکار در تشخیص صحت يك حدیث، بهره گیری از سنت قطعی است، در آموزه های اهل بیت (ع)، این سنت قطعی به عنوان یکی از معیارهای سنجش روایات مورد استناد قرار گرفته است (نهج البلاغه، نامه ۵۳). سومین راهکاری که اهل بیت (ع) در این باره برای تشخیص احادیث صحیح ارائه نموده اند، عرضه روایات بر عقل سلیم است که اگر معارض با عقل سلیم باشد، پذیرفتنی نیست. امام علی (ع) در این باره می فرماید: «اعْقِلُوا الْخَبَرَ إِذَا سَمِعْتُمُوهُ عَقْلٌ رِغَايَةٌ لَا عَقْلٌ رِوَايَةٌ فَإِنَّ زَوَاةَ الْعِلْمِ كَثِيرٌ وَ زُعَاتُهُ قَلِيلٌ» (همان، حکمة ۹۸). به عنوان مثال، روایاتی که تعداد همسران امام حسن (ع) را تا ۳۰۰ تن ذکر می کند، معارض با عقل سلیم است و با واقعیت های زندگی مطابقت ندارد؛ بنابراین برای تشخیص صحت روایات باید متن آن ها مورد بررسی قرار گیرد.

۵. ۱. نقد محتوایی روایات مطلق

روایات مطلق، با عصمت امام حسن، در تعارض هستند؛ که انتخاب میان دو مورد که یکی قطعی الصدور و دیگری ظنی و غیر قطعی است، به لحاظ عقلی و نقلی و منطقی، مورد قطعی الصدور ارجحیت مطلق دارد. در ادامه، در چند بعد، محتوای روایات مطلق نقد می شوند.

۵. ۱. ۱. تعارض با عصمت امام (ع) در قرآن و سنت

واژه عصمت یکی از واژگانی است که پیرامون انبیاء (ع) و ائمه معصوم (ع) به کار می رود. لغت پژوهان درباره این واژه نظرات نزدیک به هم بیان کرده اند؛ ابن منظور در تعریف لغوی عصمت می نویسد: «عصمت» در کلام عرب به معنی منع است و عصمت خداوند نسبت به بنده خود به این معناست که او را از آنچه موجب هلاکت او است، باز می دارد. «ابن منظور، ۱۹۷۰ م: ج ۱۲، ص ۴۰۴) امام صادق (ع) معصوم را با استناد به قرآن کریم این گونه تعریف می نماید: «الْمَعْصُومُ هُوَ الْمُؤْتَمَنُ بِاللَّهِ مِنْ جَمِيعِ مَحَارِمِ اللَّهِ وَ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى - وَ مَنْ يَعْتَصِمْ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (صدوق، ۱۴۰۳ ق: ص ۱۳۳). معصوم کسی است که به کمک خدا، خود را از همه محرمات الهی نکه دارد. خداوند تبارک و تعالی فرموده است: «و هر که به خدا عصمت و پناه جوید، هر آینه به راه راست هدایت شده است.» در تعریف اصطلاحی عصمت، اندیشمندان اسلامی تعاریف متعددی ارائه نموده اند؛ شریف مرتضی در تعریف عصمت

می‌نویسد: «عصمت از الطافی است که شخص با داشتن آن، پاکی از زشتی (گناه و اشتباه) و پرهیز از انجام آن را برمی‌گزیند» (شریف مرتضی، ۱۴۰۹ ق: ص ۸۱). شیخ مفید، در تعریف عصمت به اجتناب از گناه و درعین حال به داشتن اختیار در انجام دادن گناه اشاره می‌کند و می‌نویسد: «عصمت، لطفی از جانب خداوند است که شامل حال مکلف می‌شود و او را از وقوع در معصیت و ترک اطاعت باز می‌دارد؛ با این که آن شخص قادر به انجام آن دو است» (مفید، ۱۴۱۴ ق: ص ۳۷). علامه مظفر در تعریف عصمت و دامنه مصادیق آن می‌نویسد: «عصمت، دوری از گناهان کوچک و بزرگ و همچنین دوری از اشتباه و فراموشی است؛ هر چند صدور این موارد از پیامبر به لحاظ عقلی مانعی ندارد؛ اما واجب است معصوم از انجام کارهای منافی مروّت و کارهایی که موجب سبک شدن و خفّت در میان مردم می‌شود، همچون: غذا خوردن در محل عبور و مرور، خنده با صدای بلند و هر کاری که در عرف مردم ناپسند باشد، پرهیز کند» (مظفر، ۱۳۸۰ ش: ص ۶۴) اگر با توجه به اصل مبعوض بودن طلاق، روایات مطلق بررسی شود، این روایات معارض با عصمت به معنای پیراستگی از مکروهات است؛ به عبارتی شخصیت معصوم امری را که مورد نارضایتی خداوند است، انجام نمی‌دهد و طلاق هم هر چند امری حلال است اما مکروه است؛ از طرفی دیگر طلاق‌های زیاد که فلسفه خاصی برای آن نیست و جهت تکاملی و عبودیت در آن وجود ندارد، امری لغو و بیهوده است که اولیای معصوم از آن منزّه هستند. به این جهت این مسئله با اصل عصمت که ائمه را منزّه از هرگونه امور مورد ناخوشایند خداوند بیان می‌کنند، است. عصمت امام حسن یکی از مهم‌ترین اصول مرتبط با شخصیت ایشان است که مستند آن، آیات قرآن و روایت پیامبر اعظم است. در معصوم بودن امام حسن جای هیچ شکی و تردیدی نیست بنابراین روایات مطلق بودن که معارض با عصمت ایشان است غیرقابل پذیرش هستند. آیات متعددی از قرآن دلالت بر عصمت و مقام و منزلت والای امام حسن مجتبی دارند از جمله:

«فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَابْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ» (آل عمران/ ۶۱)

«إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (احزاب/ ۳۳). در ذیل این آیه حدیثی از پیامبر اکرم این گونه نقل شده است: «اللَّهُمَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي وَخَاصَّتِي، أَذْهَبْ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَطَهِّرْهُمْ تَطْهِيرًا»، فَقَالَتْ أُمُّ سَلَمَةَ: وَ أَنَا مَعَهُمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: «إِنَّكَ إِلَيَّ خَيْرٍ». ترمذی در اعتبار این روایت می‌نویسد: «هَذَا حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ وَ هُوَ أَحْسَنُ شَيْءٍ رَوَى فِي هَذَا الْبَابِ وَفِي الْبَابِ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَبِي سَلَمَةَ، وَ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ، وَ أَبِي الْحَمَرَاءِ» (ترمذی، ۱۳۹۵ ق: ج ۵، ص ۶۹۹).

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَ أَحْسَنُ تَأْوِيلًا» (نساء/ ۵۹).

آیات: «إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ* فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ* لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ* تَنْزِيلٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (واقعه/ ۷۷-۸۰). تمامی این آیات عصمت اهل بیت را بیان می‌کنند که امام حسن یکی از آنهاست. که جهت اختصار نکات تفسیری این آیات بیان نگردید.

^۱- والعصمة: هي التنزه عن الذنوب والمعاصي صغائرهما وكبائرها، وعن الخطأ والنسيان وإن لم يمتنع عقلاً على النبي أن يصدر منه ذلك، بل يجب أن يكون منزهاً حتى عما ينافي المروءة، كالتبذل بين الناس من أكل في الطريق أو ضحك عال، وكل عمل يستهجن فعله عند العرف العام.

در این باره روایات متعدد و معتبری پیرامون عصمت اهل بیت بیان شده که امام حسن (ع) را نیز در برمی گیرد از جمله: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ مَا إِنِّي تَمَسَّكْتُكُمْ بِهِ لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِي أَحَدُهُمَا أَكْبَرُ مِنَ الْآخَرِ: كِتَابُ اللَّهِ حَبْلٌ مَمْدُودٌ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ. وَ عَثَرَتِي أَهْلَ بَيْتِي، وَ لَنْ يَنْفَرَقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْخَوْضِ فَانْظُرُوا كَيْفَ تَخْلُقُونِي فِيهِمَا» (مسلم، بی تا: ج ۴، ص ۱۸۷۳) حدیث ثقلین حدیث متواتری است که عدم افتراق قرآن و اهل بیت را بیان می کند که لازمه این اقتران و عدم افتراق، عصمت اهل بیت است. در جای دیگر می فرماید: «فَأَنَا وَ أَهْلُ بَيْتِي مُطَهَّرُونَ مِنَ الذُّنُوبِ»؛ «أَنَا وَ عَلِيٌّ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ تِسْعَةُ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ مُطَهَّرُونَ مَغْصُومُونَ» (طبرسی، ۱۳۹۰: ص ۹)

در گونه ای دیگر از روایات نبوی، اختصاصاً مقام و منزلت امام حسن (ع) بیان شده است از جمله: اَللّٰهُمَّ إِنَّ هَذَا ابْنِي وَ أَنَا أَحِبُّهُ فَأَحِبَّهُ وَ أَحِبُّ مَنْ يَحِبُّهُ» (فیروزآبادی، ۱۳۹۲ ق: ج ۳، ص ۲۳۶)؛ «وَ لَوْ كَانَ الْعَقْلُ رَجُلًا لَكَانَ الْحَسَنُ» (حموی جویی، ۱۳۹۸ ق: ج ۲، ص ۶۸)؛ «ابنای امامانِ قاما أو قعدا» (محدث اربلی، ۱۳۸۱ ه: ج ۱، ص: ۵۳۴)؛ «الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ» (همان)؛ بنابراین با این ادله قطعی از قرآن و سنت، روایات مطلق و افتراء لذت طلبی به امام حسن معارض با این ادله قطعی است و غیرقابل پذیرش می باشند؛ به عبارت دیگر، میان قطعیات و ظنیات، چیزی که - به صراحت - برتری دارد قطعیات است. عصمت امام حسن (ع) و حجیت سیره و سخنان ایشان امری قطعی و استناد مطلق بودن و لذت طلبی به ایشان امری ظنی و معارض با ادله قطعی است که به لحاظ عقلی و نقلی غیرقابل پذیرش هستند.

۵. ۱. ۲. تعارض با سیره امام علی (ع) در ارتباط عصمت امام حسن

مهم ترین دلیل در رد روایات مطلق، تعارض این روایات با سیره قطعی امام علی (ع) در رابطه با عصمت امام حسن (ع) است. روایات مطلق چه در منابع شیعه و چه در منابع سنی از قول امام علی (ع) بیان شده است که مردم را از تزویج دختران به امام حسن (ع) نهی می کند. نهی در این احادیث به معنای اجتناب از کاری نادرست است که امام حسن (ع) به آن مرتکب می شده است. این در حالی است که نهی مزبور - در هر صورت و با هر مفهومی - معارض با سیره اهل بیت عصمت و طهارت (ع) است و مهم تر این که بیان مذکور معارض با سیره قطعی امام علی (ع) در رابطه با عصمت امام حسن (ع) است. این روایات در سه محور مهم و قطعی، با سیره امام علی (ع) تعارض شدید دارند و غیرقابل پذیرش هستند؛

اول اینکه امام علی (ع) برای اهل بیت پیامبر (ص) که امام حسن (ع) در صدر آنها بود ارزش والایی قائل بود و در مواضع گوناگون مردم را به پیروی از آنان تشویق می نمود. بررسی سیره قطعی و صحیح امام علی (ع) در رابطه با امام حسن (ع) به صراحت جعلی بودن روایات مطلق را اثبات می کند. اگر روایات مطلق و نهی امام علی (ع) از تزویج دختران با امام حسن (ع) صحیح بود، معنی نداشت این همه روایات از امام علی (ع) در رابطه با اهل بیت (ع) باشد که امام حسن (ع) صدر آنان است. امام به صراحت از مردم می خواهد که برای هدایت به سوی اهل بیت بروند، حال چگونه در برخی موارد از بعضی امور مردم را نسبت به امام حسن (ع) که صدر اهل بیت (ع) است نهی کند. این تعارض آشکار به درستی جعلی بودن روایات مطلق را نشان می دهد. در مقام علمی اهل بیت (ع) می فرماید: «هُمْ عِيشُ الْعِلْمِ وَ مَوْتُ الْجَهْلِ يَجْبِرُكُمْ حِلْمُهُمْ عَنْ عِلْمِهِمْ وَ ظَاهِرُهُمْ عَنْ بَاطِنِهِمْ وَ صَمْتُهُمْ عَنْ حِكْمِهِمْ حُكْمٌ مَنْطِقُهُمْ لَا يَخَالِفُونَ الْحَقَّ وَ لَا

يَحْتَلِفُونَ فِيهِ وَهُمْ دَعَائِمُ الْإِسْلَامِ وَلَا يُجِزُ الْإِعْتِصَامُ بِهِمْ عَادَ الْحَقُّ إِلَى نَصَابِهِ وَانْزَاحَ الْبَاطِلُ عَنْ مَقَامِهِ [مَقَامِهِ وَ انْقَطَعَ لِسَانُهُ عَنْ مَنَبَتِهِ عَقَلُوا الدِّينَ عَقْلَ وَغَايَةٍ وَرِعَايَةٍ لَا عَقْلَ سَمَاعٍ وَرَوَايَةٍ فَإِنَّ رَوَاةَ الْعِلْمِ كَثِيرٌ وَرِعَايَتُهُ قَلِيلٌ] ^۱ (نهج البلاغه، خطبه ۸۷). در جای دیگر در این باره می فرماید: «فِيهِمْ كَرَامَةُ الْقُرْآنِ، وَهُمْ كُنُوزُ الرَّحْمَنِ. إِنَّ نَطْقُوا صَدَقُوا، وَإِنْ صَمَتُوا لَمْ يَسْبِقُوا. فَلْيَصْدُقْ رَأْيَ أَهْلِهِ» ^۲ (همان: خطبه ۱۵۳). همچنین می فرماید: «أَيُّنَ الَّذِينَ زَعَمُوا أَنََّّهُمُ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ دُونَنَا؟ كَذِبًا وَبَغْيًا عَلَيْنَا، أَنْ رَفَعْنَا اللَّهَ وَوَضَعَهُمْ، وَاعْطَانَا وَحَرَمَهُمْ، وَادْخَلْنَا وَخَرَجَهُمْ. بِنَا يَسْتَعْطَى الْهُدَى، وَ يَسْتَجْلَى الْعَمَى. إِنَّ الْأَيْمَةَ مِنْ قُرَيْشٍ، غُرِسُوا فِي هَذَا الْبُطْنِ مِنْ هَاشِمٍ، لَا تَصْلُحُ عَلَى سِوَاهُمْ، وَ لَا تَصْلُحُ الْوَلَاةُ مِنْ غَيْرِهِمْ» ^۳ (همان: خطبه ۱۴۴).

دوم این که، امام علی (ع) به صورت عملی مردم را به مقام امام حسن (ع) متنبه می نماید. به عنوان نمونه، امام علی (ع) از امام حسن (ع) می خواهد که برای مردم خطبه بخواند و قصد امام از این کار نشان دادن عظمت و مقام امام حسن (ع) به صورت عملی و مشهود برای مردم بود. به عنوان نمونه، ابن کثیر دربارهٔ اجلال و احترام امام حسن (ع) توسط امام علی (ع) این گونه می نویسد: «وَكَانَ عَلَى يَكْرُمِ الْحَسَنِ إِكْرَامًا زَائِدًا، وَيَعْظُمُهُ وَيَبْجَلُهُ وَقَدْ قَالَ لَهُ يَوْمًا: يَا بَنِي أَلَا تَخْطُبُ حَتَّى أَسْمَعَكَ؟ فَقَالَ: إِنِّي أَسْتَحْيِي أَنْ أَخْطُبَ وَأَنَا أَرَاكَ، فَذَهَبَ عَلَى فَجَلَسَ حَيْثُ لَا يَرَاهُ الْحَسَنُ ثُمَّ قَامَ الْحَسَنُ فِي النَّاسِ خَطِيبًا وَعَلَى يَسْمَعُ، فَأَدَّى خُطْبَةً بَلِيغَةً فَصِيحَةً فَلَمَّا انْصَرَفَ جَعَلَ عَلَى يَقُولُ: ذُرِّيَّةُ بَعْضِهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۰۷ ق: ج ۸، ص ۳۷). در منابع روایی شیعه نیز این اجلال و اکرام امام حسن (ع) توسط امام علی (ع) در مواضع گوناگون بیان شده است (نک: مجلسی، ۱۳۶۲ ش: ج ۴۳، ص ۳۴۲). امام علی (ع) در مواضع گوناگون برای پاسخ دادن به سؤالات مردم آن ها را به امام حسن (ع) ارجاع می دادند که این نشان از جایگاه والای امام حسن (ع) در پیشگاه امام علی (ع) بوده است (نک: ابن شهر آشوب، ۱۹۵۶ م: ج ۴، ص ۱۱؛ مجلسی، ۱۳۶۲ ش: ج ۷، ص ۱۵۰).

سوم اینکه این روایات معارض با سیره حکومتی امام علی (ع) است. چگونه امام علی نظارت کامل بر کارگزاران خود داشته و آنان را از هرگونه اسراف بیت المال و ... نهی می کند اما نسبت به فرزند خود بی تفاوت باشد. امام علی نامه های متعددی به کارگزاران خود می نگاشته است، اما در هیچ یک از نامه ها یا وصایای خود، امام حسن را توبیخ ننموده است. از سوی دیگر در نامه های امام علی به فرزندان خود در هیچ کجا نشانه ای از نهی امام علی از عملی ناپسند از فرزندان

^۱- خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مایه حیات دانش و نابودی جهل اند، بردباری شان شما را از دانش آن ها خبر می دهد و ظاهرشان از صفای باطن و سکوتشان از حکومت های گفتارشان با خبر می سازد، هرگز با حق مخالفت نکردند و در آن اختلاف ندارند. آنان ستون های استوار اسلام و پناهگاه مردم می باشند، حق به وسیله آنها به جایگاه خویش بازگشت و باطل از جای خویش رانده و نابود، و زبان باطل از ریشه کنده شد. اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دین را چنانکه سزاوار بود، دانستند و آموختند و بدان عمل کردند، نه آنکه شنیدند و نقل کردند، زیرا راویان دانش بسیار، اما حفظ کنندگان و عمل کنندگان به آن اندکند.

^۲- مردم در باره اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آیات کریمه قرآن نازل شد، آنان گنجینه های علوم خداوند رحمانند، اگر سخن گویند، راست گویند و اگر سکوت کنند بر آنان پیشی نجویند.

^۳- کجا هستند کسانی که پنداشتند دانایان علم قرآن آنان می باشند نه ما که این ادعا را بر اساس دروغ و ستمکاری بر ضد ما روا داشتند، خدا ما اهل بیت پیامبر علیهم السلام را بالا آورد و آنان را پست و خوار کرد، به ما عطا فرمود و آنها را محروم ساخت، ما را در حریم نعمت های خویش داخل و آنان را خارج کرد، که راه هدایت را با راهنمایی ما می پویند و روشنی دل های کور را از ما می جویند. همانا امامان (دوازده گانه) همه از قریش بوده که درخت آن را در خاندان بنی هاشم کاشته اند، مقام ولایت و امامت در خور دیگران نیست و دیگر مدعیان زمامداری، شایستگی آن را ندارند.

خود از جمله امام حسن دیده نمی‌شود.

۵. ۱. ۳. تعارض با سیره عصمت بنیان امام حسن (ع)

آنچه از سیره قطعی امام حسن (ع) در روایات متعدد و معتبر نقل شده، مخالف و معارض با روایات مطلق و تعدد زوجات و افتراء لذت‌طلبی و خوش‌گذرانی به ایشان است. روایات صحیح و سنت قطعی ایشان آن‌چنان است که هر انسان با انصافی به عدم قبول روایات مطلق حکم می‌کند. امام حسن (ع) در خانه نبوت دیده به جهان گشود و از همان آغاز تربیت و تکامل او در محضر وحی و رسالت بود (مجلسی، ۱۳۶۲ ش: ج ۴۳، ص ۳۳۸). امام سجاد درباره سیره امام حسن (ع) و زهد و تقوای والای ایشان می‌فرماید: «أَنَّ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ كَانَ أَغْبَدَ النَّاسِ فِي زَمَانِهِ وَأَزْهَدَهُمْ وَأَفْضَلَهُمْ وَكَانَ إِذَا حَجَّ حَجَّ مَاشِيًا وَرُبَّمَا مَشَى حَافِيًا وَكَانَ إِذَا ذَكَرَ الْمَوْتَ بَكَى وَإِذَا ذَكَرَ الْقَبْرَ بَكَى وَإِذَا ذَكَرَ الْبُعْثَ وَالنُّشُورَ بَكَى وَإِذَا ذَكَرَ الْمَمَرَّ عَلَى الصَّرَاطِ بَكَى وَإِذَا ذَكَرَ الْعَرْصَ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ شَهِقَ شَهْقَةً يَغْشَى عَلَيْهِ مِنْهَا وَكَانَ إِذَا قَامَ فِي صَلَاتِهِ تَزَعَّدُ فَرَائِضَهُ بَيْنَ يَدَي رَبِّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَكَانَ إِذَا ذَكَرَ الْجَنَّةَ وَالنَّارَ اضْطَرَبَ اضْطِرَابَ السَّلِيمِ وَ يَسْأَلُ اللَّهَ الْجَنَّةَ وَيَعُوذُ بِهِ مِنَ النَّارِ»^۱ (صدوق، ۱۴۰۰ ق: ص ۱۷۸) در روایت دیگر از امام صادق (ع) سیره عبادی امام حسن (ع) این‌گونه بیان شده است: «عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع بَلَّغْنَا أَنَّ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ ع حَجَّ عَشْرِينَ حِجَّةً مَاشِيًا قَالَ إِنَّ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ ع حَجَّ وَ يَسَاقُ مَعَهُ الْمَحَامِلُ وَالرَّحَالُ الْخَبَرُ» (مجلسی، ۱۳۶۲ ش: ج ۴۳، ص ۳۳۳). در منابع اهل سنت نیز موارد متعددی از سیره امام حسن و زهد و تقوای ایشان بیان شده است؛ ابن کثیر در کتاب البداية و النهاية این‌گونه نقل می‌کند: «كَانَ الْحَسَنُ إِذَا صَلَّى الْغَدَاةَ فِي مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ يَجْلِسُ فِي مُصَلَاةٍ يَذْكُرُ اللَّهَ حَتَّى تَرْتَفِعَ الشَّمْسُ، وَيَجْلِسُ إِلَيْهِ مَنْ يَجْلِسُ مِنْ سَادَاتِ النَّاسِ يَتَحَدَّثُونَ عِنْدَهُ، ثُمَّ يَقُومُ فَيَذْخُلُ عَلَى أُمَّهَاتِ الْمُؤْمِنِينَ فَيَسَلِّمُ عَلَيْهِنَّ وَرُبَّمَا أَتَحَفَّنَهُ ثُمَّ يُنْصَرِفُ إِلَى مَثَرِهِ» (ابن کثیر، ۱۴۰۷ ق: ج ۸، ص ۳۷). ابن عساکر درباره سیره امام حسن در به جا آوردن حج این‌گونه نقل می‌کند: «عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ قَالَ قَالَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ إِنِّي اسْتَحْيَى مِنْ رَبِّي عَزَّ وَجَلَّ أَنْ الْقَاهُ وَلَمْ أَمْشِ إِلَى بَيْتِهِ قَالَ فَمَشَى عَشْرِينَ مَرَّةً مِنَ الْمَدِينَةِ عَلَى رَجْلَيْهِ» قال عبد الله بن عباس ما ندمت على شيء فأتني في شبابي إلا أنني لم أحج ماشياً ولقد حج الحسن بن علي خمسا وعشرين مرة ماشياً النجائب لتقاد معه ولقد قاسم الله ماله ثلاث مرات حتى أنه يعطى الخف ويمسك النعل» (ابن عساکر، ۱۹۹۵ م: ج ۱۳، ص ۲۴۲). از سوی دیگر مطلق بودن و تعدد زوجات امام حسن، معارض با سیره قرآنی ایشان است چراکه امام به‌عنوان افضل مؤمنان منزّه از هرگونه کار لغو و بیهوده است چنان‌که قرآن کریم درباره مؤمنان می‌فرماید: «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ * الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ * وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ» (مؤمنون/ ۱-۳) امام حسن منزّه از آن بوده که کار لغو و عبثی انجام دهد. ازدواج‌ها و طلاق‌های متعدد یا به جهت لذت‌طلبی بوده که با عصمت امام در تعارض است یا به جهت خواست مردم جهت کسب فضیلت تزویج دختران به فرزند پیغمبر بوده که باز این مطلب نیز

^۱ - حسن بن علی بن ابی طالب علیهما السلام عابدترین و زاهدترین و با فضیلت‌ترین مردم روزگار خود بود. هرگاه حج می‌رفت پیاده و گاه با پای برهنه می‌رفت؛ هرگاه سخن از مرگ به میان می‌آمد می‌گریست؛ هرگاه سخن از قبر به میان می‌آمد می‌گریست؛ هرگاه سخن از قیامت و رستاخیز به میان می‌آمد می‌گریست؛ هرگاه از گذشتن بر صراط یاد می‌شد می‌گریست؛ هرگاه از حاضر شدن در دادگاه عدل الهی سخن به میان می‌آمد، چنان صیحه ای می‌زد که بر اثر آن از هوش می‌رفت؛ هرگاه به نماز می‌ایستاد بدنش در پیشگاه پروردگارش عَزَّ وَجَلَّ، می‌لرزید؛ هرگاه از بهشت و دوزخ سخن به میان می‌آمد، مانند مار گزیده به خود می‌پیچید و بهشت را از خداوند مسئلت می‌کرد و از آتش دوزخ به او پناه می‌برد.

غیرقابل پذیرش است چراکه قرآن فضیلت را به تقوا بیان می‌کند نه به قوم و قبیله و... چنان که می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (حجرات/۱۳) چه این که همسران برخی از پیامبران مانند حضرت نوح و هود مؤمن نبودند و همسری پیامبران به آن‌ها سودی نرساند؛ بنابراین این عمل به جهت فضیلت‌سازی برای مردم منزه از سیره امام حسن است چه این که در سیره اهل بیت طلاق یکی از منفورترین حلال‌ها معرفی شده است: «إِنَّ اللَّهَ يَبْغِضُ كُلَّ مُطْلَاقٍ ذَوَّاقٍ» (کلینی، ۱۳۶۲ ش: ج ۶، ص ۵۵)؛ «ما من شيء مما أحله الله أبغض إليه من الطلاق و إن الله عز و جل يبغض المطلق الذواق» (همان: ص ۵۴)؛ پس این موارد معارض با سیره امام حسن (ع) است. امام حسن تمامی عمر خود را وقف خدمت به اسلام و مسلمین نمود و تمام عمر بندگی خداوند را به‌جا آورد. افتراء لذت‌طلبی به ایشان و طلاق و تعدد زوجات نه تنها با سیره قطعی ایشان معارض است که به لحاظ عقلی و تاریخی نیز بعید و غیرممکن است چراکه امام حسن با آن همه مشغله و اموراتی که بر عهده داشت فرصت این امور را نداشت؛ بنابراین از این بعد هم این روایات معارض و غیرقابل قبول هستند.

۵. ۱. نقد ساختاری روایات طلاق

در این قسمت، روایات طلاق به لحاظ ساختاری و چگونگی شکل‌گیری آن‌ها نقد می‌شود.

۵. ۱. ۲. پیشینه وضع روایات طلاق

بررسی فضای صدور روایات طلاق، شاهدی مهم در مجعول بودن این روایات است. اولین بار بحث طلاق بودن امام حسن (ع) توسط منصور دوانیقی خلیفه عباسی بیان شد. وی در جمع خراسانیان با تخریب شخصیت امام حسن (ع) این‌گونه سخنرانی کرد: «ثم قام من بعده الحسن بن علي، فو الله ما كان فيها برجل، قد عرضت عليه الأموال، فقبلها، ففسد إليه معاوية، إني أجعلك ولي عهدى من بعدى، فخدعه فانسلخ له مما كان فيه، وسلمه إليه، فأقبل على النساء يتزوج في كل يوم واحدة فيطلقها غدا، فلم يزل على ذلك حتى مات على فراشه» (طبری، ۱۳۸۷ ق: ج ۸، ص ۹۳).

بررسی تاریخی زمان ظهور عباسیان این مطلب را مشهود می‌سازد که بنی الحسن یکی از مهم‌ترین رقبای بنی عباس بودند و بنی العباس از هر طریقی می‌خواستند بنی الحسن را از میان بردارند؛ با تذکر این نکته که بنی العباس با نام اهل بیت پیامبر حمایت مردم را جمع کرده بودند و توانسته بودند به خلافت برسند؛ به همین خاطر رقیب اصلی آنان در خلافت بنی الحسن بودند. برای همین از هر طریقی برای تخریب آنان استفاده می‌کردند (همان: ج ۷، ص ۵۱۸). اوضاع خراسان در عهد منصور دوانیقی به‌گونه‌ای شده بود که همگان انتظار محمد بن عبدالله بن حسن بن حسن بن علی بن ابی طالب بودند؛ چراکه در برخی گزارش‌های تاریخی آمده است که حاکم خراسان به منصور نامه می‌نویسد و جریان تمایل مردم به محمد بن عبدالله را هشدار می‌دهد؛ که منصور، دستور به کشتن او می‌دهد (ابن الأثیر، ۱۴۱۷ ق: ج ۵، ص ۱۰۶).

منصور فقط به کشتن محمد بن عبدالله راضی نشد بلکه دیگر مردان از بنی الحسن را نیز به شهادت رساند. (همان: ص ۱۰۷) منصور بعد از کشتن محمد بن عبدالله برای راضی کردن مردم خراسان و منحرف کردن آن‌ها از بنی الحسن آن سخنرانی معروف خود را انجام داد و به تخریب شخصیت امام حسن (ع) پرداخت و به ایشان افتراء طلاق

بودن و مشغول بودن به زنان را داد. هدف منصور از تخریب شخصیت امام حسن (ع)، منحرف کردن مردم نسبت به بنی الحسن بود تا مردم را نسبت به آن‌ها بدگمان و بدبین کند؛ بنابراین بررسی تاریخ آغاز این روایات به‌درستی این نکته را بیان می‌نماید که بنی عباس برای تحکیم قدرت خود علاوه بر عنصر نظامی از عنصر تخریب شخصیت و تحریف شخصیت امام حسن (ع) برای کم‌رنگ کردن قدرت بنی الحسن استفاده کردند. این نکته از آنجا مشهود می‌شود که بنی امیه برای رسیدن به قدرت از هر راهی استفاده می‌کردند. اگر درباره امام حسن (ع) ایرادی سراغ داشتند حتماً از آن در تبلیغات سوء خود علیه ایشان استفاده می‌نمودند؛ در صورتی که در هیچ منبع و سخنی صحبت از مطلق بودن و تعدد زوجات امام حسن (ع) توسط بنی امیه بیان نشده است؛ بنابراین بررسی تاریخچه صدور افتراء مطلق بودن امام حسن (ع) و شرایط سیاسی آن زمان به‌خوبی جعلی بودن آن را اثبات می‌نماید.

۵.۲.۲. تعارض اقوال دال بر تعداد زنان امام حسن (ع)

آنچه از روایات مجعول برمی‌آید این است که امام حسن بسیار ازدواج می‌کرد و بسیار طلاق می‌داد؛ برخی در توضیح علت ازدواج‌ها و طلاق‌های متعدد، بحث منزلت امام را مطرح می‌کنند به‌گونه‌ای که مردم به جهت افتخار و کسب فضیلت دختران خود را به مدت کمی به ازدواج امام درمی‌آوردند. اگر تعداد ازدواج‌های امام حسن صحیح بود باید اسامی زنان ایشان در تاریخ مشهور می‌شد و هرکسی که با امام ازدواج می‌کرد با افتخار این ازدواج را در همه‌جا علنی می‌نمود و برای خود فضیلت قلمداد می‌کرد؛ اما نبود اسامی این زنان به‌صورت عقلی، افسانه بودن تعدد زوجات امام حسن را اثبات می‌کند. تعارضی که در معرفی تعداد زنان امام حسن وجود دارد به‌درستی افسانه بودن این داستان را اثبات می‌کند؛ اگر ازدواج‌های متعدد امام صحت داشت در تاریخ به‌طور قطعی نام همسران و تعداد آن‌ها ثبت و ضبط شد این در حالی است که این‌گونه نیست؛ به‌عنوان مثال برخی همسران آن حضرت را ۳۰۰ نفر (ابن شهر آشوب، ۱۹۵۶ م: ج ۳، ص ۱۲)، برخی ۲۰۰ نفر (مجلسی، ۱۳۶۲ ش: ج ۴۴، ص ۱۷۳)، برخی ۹۰ نفر (بلاذری، ۱۴۱۷ ق: ج ۳، ص ۲۵) و برخی ۴۰ نفر (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۰۷ ق: ج ۸، ص ۴۲) شمرده‌اند. این تعارضات شدید به‌درستی نادرستی مطلق بودن امام حسن را اثبات می‌کند. مورخان شیعه و سنی با همه تحقیقات و جستجوهای که داشته‌اند حداکثر نام ۱۳ نفر را بیان کرده‌اند که عبارت‌اند از:

خوله دختر منظور بن زیاد فزاری (قرشی، ۱۴۱۳ ق: ج ۲، ص ۴۵۵). جُعدہ دختر اشعث بن قیس کندی (مفید، ۱۴۱۳ ق: ج ۲، ص ۱۵). عایشه خثعمیه (شوشتری، ۱۴۰۴ ق: ج ۱۱، ص ۱۵۶). ام کلثوم دختر فضل بن عباس بن عبدالمطلب (قرشی، ۱۴۱۳ ق: ج ۲، ص ۴۶۰). ام اسحاق دختر طلحة بن عبیدالله تیمی (مجلسی، ۱۳۶۲ ش: ج ۴۴، ص ۱۷۳). ام بشیر دختر ابومسعود عقبه بن عمر انصاری خزرجی (مفید، ۱۴۱۳ ق: ج ۲، ص ۲۰). هند بنت عبدالرحمان بن ابی بکر (قرشی، ۱۴۱۳ ق: ج ۲، ص ۴۶۰). زنی از قبیله عمرو بن اهِیم منقری (مجلسی، ۱۳۶۲ ش: ج ۴۴، ص ۱۷۳). زنی از خاندان بنی ثقیف (همان). زنی از قبیله بنی شیبان (قرشی، ۱۴۱۳ ق: ج ۲، ص ۴۶۰). نفیله ام ولد یا رمله (همان) زینب دختر سبیع بن عبدالله (همان منبع) زنی از قبیله بنی شیبان (همان).

با این‌همه نمی‌توان برخی از این ۱۳ نفر را هم با قطعیت جزء همسران امام حسن به حساب آورد. نکته دیگری که حائز اهمیت است این است که این زنان هم‌زمان همسر امام نبودند بلکه با مرگ بعضی از آن‌ها امام با برخی دیگر

ازدواج نموده است (نک: رسولی محلاتی، ۱۳۹۲ ش: ص ۴۸۴-۴۶۹).

۵. ۲. ۳. تعارض با تعداد فرزندان امام حسن (ع)

اگر ازدواج‌های متعدد امام حسن حقیقت داشت بالطبع باید فرزندان زیادی از این امام به یادگار می‌ماند در صورتی که تعداد فرزندان ایشان کمی همسران امام و بالطبع کمی ازدواج‌های ایشان را بیان می‌نماید. شیخ مفید تعداد فرزندان امام حسن را ۱۵ تن ذکر کرده است (مفید، ۱۴۱۳ ق: ج ۲، ص ۲۰). برخی از مورخان اهل سنت تعداد فرزندان امام حسن را ۱۵ پسر و هشت دختر بیان می‌کنند (سبط ابن جوزی، ۱۴۲۶ ق: ص ۱۹۴؛ مقدسی، بی‌تا: ج ۵، ص ۷۵). طبرسی ۱۶ پسر و ۱ دختر بیان می‌کند (طبرسی، ۱۳۹۰ ق: ص ۴۱۶). این تعداد فرزندان به خوبی کمی تعداد همسران امام حسن را گواهی می‌دهد.

۶. نتیجه

یکی از مهم‌ترین شبهاتی که در منابع اهل سنت و بعضاً شیعی در رابطه با امام حسن (ع) مطرح می‌شود، انتساب مطلق بودن به ایشان است؛ یعنی، امام حسن (ع) ازدواج‌ها و طلاق‌های متعدد داشته و لذت طلب بوده و بر مبنای همین روحیه، با معاویه صلح نموده و از حکومت کناره‌گیری کرده است. روایات مطلق از چند جهت غیرقابل پذیرش هستند؛ ۱- این روایات با عصمت امام حسن (ع) که به معنای تنزیه ایشان از هرگونه خطا و اشتباه و گناه است معارض می‌باشند؛ عصمت اهل بیت (ع) مستند به آیات قرآن از جمله آیه تطهیر، آیه مباهله، آیات مطهرون و غیره است همچنان که روایات قطعی الصدور از پیامبر اعظم (ص) مانند حدیث ثقلین و روایات تطهیر نیز بر عصمت ایشان دلالت دارد اما روایات مطلق تعارض جدی با این اصول قطعی دارد.

۲- مهم‌ترین نکته‌ای که در نقد روایات مطلق باید در نظر داشت این است که این روایات منتسب به امام علی (ع) است؛ به این معنا که امام علی (ع) مردم را از تزویج دختران به امام حسن (ع) نهی می‌کند. این نهی با هر مفهومی، مناسب با شخصیت امام حسن (ع) به عنوان امام معصوم نیست. با بررسی سیره صحیح امام علی (ع) در مواضع گوناگون، این نتیجه به دست می‌آید که ایشان در مواضع گوناگون با تأکید، مردم را به پیروی از اهل بیت- که امام حسن (ع) در صدر آنان (ع) است- تشویق و امر نموده و در مواضع گوناگون، امام حسن (ع) را اجلال و اکرام می‌کند و در پاسخ به سؤالات مردم، آن‌ها را به ایشان ارجاع می‌دهد. این سیره امام علی (ع) معارض با نهی ایشان در روایات مطلق است؛ بنابراین، روایات مطلق با تأکید بر این سیره، غیرقابل پذیرش‌اند.

۳- سیره امام حسن (ع)- با توجه به آنچه عام و خاص نقل کرده‌اند- سیره‌ای معصومانه و در مسیر عبودیت و خدمت به اسلام و مسلمین، زهد و ساده‌زیستی و تقوا بوده است که این سیره معارض با ازدواج‌های متعدد و خوش‌گذرانی و پرداختن به امور زنان است.

۴- در نقد ساختاری، این روایات با تعارض جدی روبرو هستند؛ اولین بار، واژه مطلق را منصور دوانیقی به امام حسن (ع) نسبت می‌دهد که بررسی تاریخی زمان ایشان، این نکته را مشهود می‌سازد که وی با بنی الحسن دشمنی شدیدی داشت و یکی از مهم‌ترین رقبای وی در خلافت بن الحسن بودند؛ بنابراین با رویکرد نظامی و تخریب شخصیتی سعی می‌نمود تا این گروه را از سر راه خود بردارد؛ بنابراین با انتساب مطلق بودن به امام حسن (ع) و با رویکرد عصمت‌زدایی از وی سعی کرد تا نگاه مردم را نسبت به بنی الحسن بدبین سازد؛

۵- مورخان در گزارش‌های تاریخی خود همسران متعددی را به امام حسن (ع) نسبت داده‌اند. در صورتی که اگر تعداد همسران امام حسن (ع) صحیح بود، نقل مشترکی در این باره وجود داشت و اختلاف به بیش از ۷۰ تا ۳۰۰ نمی‌رسید. علاوه بر این، تعدد ازدواج‌های امام حسن (ع) حاکی از این است که امام (ع) همسران محدودی داشتند که اگر همسران متعددی داشتند بالطبع باید فرزندان زیادی از آن‌ها متولد می‌شد؛ اما تعداد فرزندان امام حسن (ع)، تعداد کم همسران ایشان را دلالت می‌کند؛ بنابراین، روایات مزبور به خاطر تنافی با مقوله عصمت و همخوان نبودن با معیارهای نقد المتنی، معتبر تلقی نمی‌شود.

۷. منابع

- قرآن کریم

۱. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغة، قم: مكتبة آیت الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ هـ.
۲. ابن ابی شیبہ، ابوبکر، مصنف ابن ابی شیبہ، الرياض: مكتبة الرشد، ۱۴۰۹ هـ.
۳. ابن اثیر، أبو الحسن، الكامل فی التاريخ، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۱۷ هـ.
۴. ابن شهر آشوب، رشید الدین ابی عبدالله محمد بن علی مازندرانی، مناقب آل ابی طالب، نجف: المكتبة و المطبعة الحیدریة، ۱۹۵۶ م.
۵. ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، بیروت: دارالفکر، ۱۹۹۵ م.
۶. ابن کثیر دمشقی، البدایة و النہایة، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۷ هـ.
۷. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دارلسان العرب، ۱۹۷۰ م.
۸. أبو عبد الله أحمد بن محمد بن حنبل، المسند، الناشر: مؤسسة الرسالة، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۱ هـ - ۲۰۰۱ م.
۹. ابوالقاسم عبیدالله بن عبدالله حاکم حسکانی، شواهد التنزیل، تهران: انتشارات وزارت ارشاد، ۱۴۱۱ هـ.
۱۰. الاعذارى، محمد ناصر، الدربرنى، حسن محمد، ظلمات الامام الحسن عليه السلام (مزواج مطلق - دراسة تحليلية)، مجلة كلية التربية الاسلامية للعلوم التربوية و الانسانية، جامعة بابل، العدد ۴۱، ۲۰۱۸ م.
۱۱. بلاذرى، احمد بن يحيى، انساب الاشراف، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۷ هـ.
۱۲. ترمذی، محمد بن عیسی بن سؤرة بن موسی بن الضحاک، سنن الترمذی، الناشر: شركة مكتبة و مطبعة مصطفى البابى الحلبي - مصر، الطبعة: الثانية، ۱۳۹۵ هـ - ۱۹۷۵ م.
۱۳. حسنی الخربوطی، علی، العراق فی ظل الحكم الاموی، القاهرة: دارالمعارف، ۱۹۵۹ م.
۱۴. حموی جویی، ابراهیم بن محمد، فرائد السمطين، بیروت: مؤسسة المحمودی، ۱۳۹۸ هـ.
۱۵. خلف سرهید، عدنان، الامام الحسن و الحسینون فی آراء المستشرقین، المؤتمر العلمی الدولي السنوی السادس، العتبة العباسية المقدسه قسم الشؤون الفكرية و الثقافية.
۱۶. رسولی محلاتی، سید هاشم، زندگانی امام حسن مجتبی، قم: انتشارات بوستان کتاب، ۱۳۹۲ ش.
۱۷. رشاد، علی اکبر، موسوعة الامام علی (ع)، قم: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه، ۱۳۸۰ ش.
۱۸. سبط ابن جوزی، یوسف بن قزاوغلی، تذکرة الخواص، قم: المجمع العالمی لاهل البيت علیهم السلام مرکز الطباعة و النشر، ۱۴۲۶ ق.

۱۹. شریف مرتضی، تنزیه الانبیاء، بیروت: دارالاضواء، ۱۴۰۹ ق.
۲۰. شوشتری، قاضی نورالله، احقاق الحق، قم: مكتبة آية الله المرعشي العامة، ۱۴۰۴ هـ.
۲۱. صدوق، محمد بن بابویه، الامالی، بیروت: الاعلمی، ۱۴۰۰ هـ.
۲۲. صفار، احمد، منهجية المستشرقين في احياء المرويات التي نسجها الامويون و العباسيون و اعادة انتاجها: تشويه صورة الامام الحسن عليه السلام مثالا، المؤتمر العلمي الدولي السنوى السادس، العتبة العباسية المقدسة قسم الشؤون الفكرية و الثقافية.
۲۳. صفار، رحاب نذیر، یونس محمود، میسون، شبهات المستشرقین للامام الحسن علیه السلام و الرد علیها، المؤتمر العلمي الدولي السنوى السادس، العتبة العباسية المقدسة قسم الشؤون الفكرية و الثقافية.
۲۴. طباطبائی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: منشورات جامعة المدرسين، الطبعة الخامسة، ۱۴۱۷ هـ.
۲۵. طبرسی، إعلام الوری بأعلام الهدی، تهران: انتشارات اسلامية، ۱۳۹۰ هـ.
۲۶. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الطبری، بیروت: روائع التراث العربی، ۱۳۸۷ هـ.
۲۷. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احياء التراث العربی.
۲۸. فیروز آبادی، السید مرتضی، فضائل الخمسة من الصحاح الستة، تهران: انتشارات اسلامية، ۱۳۹۲ هـ.
۲۹. قرشی، باقر شریف، حياة الامام الحسن بن علي عليه السلام، بیروت: دارالبلاغة، ۱۴۱۳ هـ.
۳۰. کریم، محمد الکعبی، صورة اصحاب الکساء بین تجنی النص و اشباحة الخطاب الاستشراقي هنری لامنس انموذجا، دارالکفیل ۲۰۱۵ م.
۳۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: انتشارات الاسلاميه، ۱۳۶۲ ش.
۳۲. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلاميه، ۱۳۶۲ ش.
۳۳. محدث اربلی، کشف الغمة فی معرفة الأئمة، تبریز: انتشارات بنی هاشمی، ۱۳۸۱ هـ.
۳۴. مرادی نسب، حسین، تطور شناسی حدیث مطلق امام حسن مجتبی در منابع شیعه، مجله شیعه شناسی، سال پانزدهم، شماره ۵۹، ۱۳۷۶ ش.
۳۵. مرادی نسب، حسین، آسیب شناسی تشکیل خانواده حدیثی در مطالعات تاریخی با تأکید بر مطلق بودن امام حسن، مجله تاریخ اسلام، شماره ۸۷، ۱۴۰۰ ش.
۳۶. مرتضوی، سید محمد، نقد و بررسی روایات مربوط به مطلق بودن امام حسن، مجله الهیات و معارف اسلامی، شماره ۷۶، ۱۳۸۶ ش.
۳۷. مظفر، محمدرضا، العقائد الامامية، قم: انتشارات انصاریان، ۱۳۸۰.
۳۸. مفید، محمد بن محمد بن النعمان ابن المعلم أبی عبد الله العکبری، النکت الإعتقادية و رسائل اخرى، تحقیق: رضا مختاری، بیروت: دار المفید للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۴۱۴ ق.
۳۹. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، قم: الفیه شیخ مفید، ۱۴۱۳ هـ.
۴۰. مقدسی، مطهر بن طاهر، البدء و التاريخ، مكتبة الثقافة الدينية، بور سعيد.

۴۱. موفق، مجید لیلو، ملامح الصورة الشخصية للامام الحسن المجتبی بین الواقع و افتراءات المستشرقین، المؤتمر العلمی الدولي السنوی السادس، العتبة العباسیة المقدسه قسم الشؤون الفکریة و الثقافیة.
۴۲. النیسابوری، أبو عبد الله الحاکم محمد بن عبد الله بن محمد، المستدرک علی الصحیحین، بیروت: دارالکتب العلمیة، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۱ - ۱۹۹۰.
۴۳. النیسابوری، مسلم بن الحجاج أبو الحسن القشیری، المسند الصحیح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله صلى الله عليه و سلم، المحقق: محمد فؤاد عبد الباقي، بیروت: دار إحياء التراث العربی، بی تا.
۴۴. هاشم الصراف، علی زهیر، دراسات المستشرقین عن الامام الحسن السبط، دونالدسن نموذجاً، مجلة دراسات استشرافیة، العدد ۸، السنة الثالثة، ۱۴۳۷هـ.
۴۵. هلالی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس، قم: منشورات الهادی، ۱۴۰۵هـ.

